روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

روزنامه شرق

سه‌شنبه ۲ مرداد ۱۴۰۳ • ۱۷ محرم ۱۴۴۶ • ۲۳ جولای ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۸۸۵ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۱ • اذان مغرب ۱۹:۳۶ • اذان صبح فردا ۳:۲۷ • طلوع آفتاب ۴:۰۶

گسترش گلسنگ ها روی سنگ مزارهای گورستان تاریخی سفید چاه مازندران، این محوطه ثبت ملی شده را در معرض خطر قرار داده است.این مکان از نخستین گورستان‌های مسلمانان در ایران به شمار می آیدو نقوش هندسی حک شده روی برخی سنگ‌مزارها به شکل دایره، مربع و مثلث هم کلید رمز عناصر مهمی چون زندگی و رستاخیز پس از مرگ است. عکس: اکبر قاسمپور،باشگاه خبرنگاران جوان

instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

تاریخ‌خوانی

دولت جدید و لزوم تقویت سکانداری توسعه

مهدی دهقان‌منشادی

بـا روی کار آمدن دولـت جدید موجی از امید بر کشـور حاکم شـده اسـت؛ از آن روی کـه به نظر می‌رسـد بار دیگـر دوره حاکمیت تدبیر و عقلانیت‌گرایی فرا رسیده و کشور توان آن را دارد که با یاری اندیشه با مشکلات مبارزه کند و با استفاده از توان‌های موجود در مسـیر توسـعه و بهترشدن گام بردارد. بی‌شـک حرکـت در این مسـیر و ارتقای وضع زندگی مردم وابسته به نهادی اندیشه‌محور اسـت تا با بهره‌گیری از توان تفکر جمعی و کارشناسـی، سکان توسعه را در دسـت داشته و کشـور را به سرمنزل آرامش و بهبودی هدایت کند.

بررسی تاریخ توسعه ایران نشان می‌دهد که تا قبل از دوره پهلوی، توسعه‌هایی که در جای‌جای کشور صورت می‌گرفت جنبه‌ای غیررسـمی و برنامه‌ریزی‌نشده داشت و در طول قرن‌هـای متمادی آبـادی و عمران شهرها و روستاها مرهون تلاش‌های مردمی و مشارکت مالی آنان بوده است. با انقراض سلسـله قاجـار و شـکل‌گرفتن حکومت پهلـوی، دوران جدیـدی آغاز می‌شـود و نقطه عطفی شکل می‌گیرد که مجزاکننده دوران سـنت و مدرن به حساب می‌آید. با تصمیم دولتمردان و تأسیس هیئتی به نام «شـورای اقتصادی» در ۱۱ فروردین ۱۳۱۶، سـنگ‌بنای برنامه‌ریزی و اجرای نقشه‌های اقتصادی گذاشـته شد. در سـال‌های بعد در لایحه برنامه هفت‌سـاله عمرانی که در سـال ۱۳۲۷ به مجلس تقدیم شد، با اشاره به لـزوم نظارت و مراقبت در اجرای برنامه به‌وسیله یک سازمان خاص، برای اولین‌بار به‌طور رسمی از تشکیلاتی به نام «سازمان برنامـه» نام برده شـد و در ادامه در ۱۳ تیر ۱۳۲۸، «سـازمان برنامه» به‌عنوان مرکزی برای هدایت توسعه، آغاز به کار کرد. نتیجه اینکه برای تداوم فرایند توسعه، پنج برنامه عمرانی پیـش از انقلاب تهیه و اجرا شـد و در این بین با توجه به تمرکز شـدید امور اداری در پایتخت، سـایر اسـتان‌ها در سه برنامه عمرانی کشور دخالتی نداشتند. برای دخالـت دادن سـایر مناطق کشـور در امر توسعه، در طول برنامه چهارم گام کوچکی برداشته شد و دفاتر توسعه منطقه‌ای برای اجرای برنامه‌ها، تأسـیس شدند. در فرایند تکامـل نظام مدون برنامه‌ریزی و توسـعه که در کشور قدمتی بیش از ۸۰ سال و برای استان‌ها حدود نیم قرن سابقه دارد، این نهاد اندیشه‌محور با تغییرات چندی مواجه بوده اسـت. یک زمانی به یاری چسب ادغام به «سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی» تبدیل شد تا در شرایط محدودیت منابع اعتباری بتوان داشته‌ها را با کمک برنامه‌ریزی، مدیریت و مصرف کـرد؛ در دوره‌ای با چماق انحلال، نام «معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاسـت‌جمهوری» را بر آن گذاشتند و امور شعب استانی را به استانداری‌ها واگذاشتند تا فرمان توسـعه به انفعال کشانده شود و کارایی اندیشـه در فعالیت‌های اجرایی به حداقل برسد. اینک که این نهاد اندیشه‌محور با عنوان «سازمان برنامه و بودجه کشور» و شعبات استانی‌اش به نام «سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی» فعالیت می‌کند، می‌تواند با تدوین هوشـمندانه، اجرای کارآمد و پایش مدام برنامه‌های توسـعه، نقش مهمی را در سکان‌داری توسعه کشور بر عهده بگیرد.

دولت جدیـد می‌تواند با اتکا به تجارب ارزشـمند ایـن نهـاد اندیشـه‌محور که از اجرای ۱۱ برنامه توسـعه (پنج برنامه پیش از انقلاب و شـش برنامه بعـد از انقلاب) حاصل شده اسـت و با تقویت و بهره‌گیری از تـوان تخصصـی و دانـش فکـری و کارشناسـی آن، ضمن بازنگری اساسی در شاخص‌های توسعه و توزیع بهینه اعتبارات براسـاس اولویت‌هـا، کشـور را در مسـیر توسـعه پایدار قرار دهد. تجارب سال‌های پشـت سر نهاده، نشـان می‌دهد نفوذهای سیاسـی- ایدئولوژیکـی در کابین این نهاد سکان‌دار توسـعه، صدمات جبران‌ناپذیری را در پیمودن مسـیر توسـعه کشور برجای نهاده اسـت. با آسیب‌شناسی تجارب تلخ گذشـته می‌توان ضمن بازنگـری در قانون بودجه سنواتی کشور و حذف بودجه‌بگیران ناکارآمـد و زایـد از ردیف‌هـای بودجه‌ای، دست عوامل سیاسـی- ایدئولوژیکی را از سـکان توسعه (چه در سـطح ملی و چه اسـتانی) کوتاه کرد. زیراکـه توجه آنها به عمق راهبردی ناشـفاف و بی‌توجهی آنها به قواعـد و قوانین و تخطـی از برنامه‌ها، به بیراهـه رفتن از مسـیر توسـعه منجر خواهد شد.

شبکه‌خوانی

وقتی از وزیر ارشاد می‌گوییم

این روزها ماجرای انتخاب وزرای کابینه مسـعود پزشکیان از مسـائلی است که در هر کوی و برزن درباره آن سخن گفته می‌شود. در این میان اهالی فرهنگ و هنر روند انتخاب را پیگیری می‌کنند. هر چند وقت یک بار مجموعه‌ای از اسـامی برای وزارت فرهنگ و ارشـاد مطرح می‌شـود که اسـباب نگرانی اهالی فرهنگ و هنر می‌شود. البته هنوز تصمیمات نهایی گرفته نشده و کمیته اسامی ۱۵ نفر نهایی را به رئیس‌جمهور منتخب معرفی نکرده است.

البته در این مدت برخی افراد هم سـعی کردند با ادعای همه‌چیزدانی، اسـامی موردنظر خود را در پروپاگاندای مطبوعاتی به عنوان اسـامی مورد نظر کمیته در ذهن‌ها جا بیندازند. برخی افراد نیز با کمک ارتباطات خود سعی کردند تا با نوشتن یادداشتی در رسانه‌ها، نام خود را به یاد بقیه بیاورند. این تلاش‌ها ادامه داشته و دارد. در همین روزها یکی از کانال‌ها درباره وزیر پیشـنهادی نظرسـنجی گذاشته است و روزنامه‌نگاران و اهالی رسـانه، اسم وزیر پیشنهادی خود را اعلام می‌کنند.

باورکـردن اینکـه انتخاب روزنامه‌نـگاران برای نشسـتن در وزارتخانه فرهنگ و ارشـاد اسلامی که با هنرمندان و اهالی فرهنگ در گوشـه و کنار کشور ارتباط دارد، چنین افرادی اسـت به شدت شوکه‌آور بود. اسامی مطرح‌شـده گاهی آن‌قدر عجیب و دور از ذهن به نظر می‌رسـند که سـبب بهت و حیرت شده است و در تحریریه‌ها با افسوس درباره اسامی مطرح‌شـده، تبادل نظر می‌شود. انتقادهایی هم به این اسامی پیشـنهادی می‌شـود، انتقاداتی که گاه عیان نمی‌شـود ولی به صورت شـفاهی درباره آن صحبت می‌شود.

یکی از اهالی رسانه درباره این شرایط نوشته که بخش‌هایی از آن را انتخاب کردیم. اشـکان زارع با اشاره به نظرسنجی نوشته است: «برخی پاسخ‌هایی داده‌اند تو گویی مقصودشـان رفـع تکلیف بود. اما گروهی چنان نظریات شـاق و طاقت‌سوز دادند که صبرم سـر آمد. گفتم دسـت به کیبورد شوم. یکی گفته بود هوشنگ مرادی‌کرمانی؛ آن یکی گفته بود تـورج دریایی؛ یکی دیگر گفته بود علی دهباشـی؛ یکی مدیر بالادسـتی‌اش را گفته بود و چندتنی هم نظریات هم‌سـو با گروه‌هـای خانوادگی واتس‌اپ و تلگرام». او معتقد اسـت که در این نظرسـنجی نظرات عوامانه و ملتمسـانه و از آن بدتر صغیرانه زیاد است و تأکید دارد: «گمانم برخی‌شان مناسبات اداره یک سـرویس روزنامه را هم نمی‌دانند که اگر می‌دانسـتند آن اسـم‌های عجیـب و غریب را هم نمی‌نوشتند. سخنان چنان عوامانه است که در پارک و خیابان هم نمی‌شنوی».

این سـخنان تلخی اسـت که یکی از خودمان، خطاب به خودمان نوشـته اسـت. نـکات دیگری نیز درباره اظهار نظر اهالی رسـانه درباره انتخاب وزیر فرهنگ و ارشـاد وجـود دارد، از جمله پیری و حتی کهن‌سـالی افراد پیشـنهادی یا فراموشـی مسـائل گذشـته و اتفاقاتی کـه در دوره‌های قبل رخ داده اسـت. گاهی نام‌ها یادآور خاطرات تلخی همچـون سانسـور و توقیـف در عرصـه کتاب و سینماسـت. گاهی برخی نام‌هایی مطرح می‌شود که مشـخصاتی همچون پاکدستی را ندارند و تن و بدنمان می‌لرزد که نکند دوباره همان بسـاط آغاز شود.

برخـی نام‌ها هم تکرار می‌شـود کـه می‌دانی، همه‌اش به خاطر سهم‌خواهی است.

امـا در کنار انتقاد بـه این نحوه اعلام اسـامی، گاهی شـنیدن و خواندن برخی نام‌ها شـعف‌انگیز اسـت و تصور اینکـه در دوره‌ای فعالیت کنیم که افـرادی با پشـتوانه صنـف و با تجربـه حمایت و مدیریت بر مسـند وزارت بنشـینند باعث خشنودی می‌شـود. گاهی نیز اسـامی‌ای مطرح می‌شود که واقعا ایدئال‌گرایانه اسـت و خوشحال می‌شویم که اگر واقعا این اتفاق رخ دهد چقدر همه چیز شـکل رؤیایی دارد. البته همان‌جاسـت که یاد این دیالوگ در فیلـم کمال‌الملک می‌افتیم کـه «همه چیزمان باید به همه چیزمان بیاید و بیله دیگ بیله چغندر»؛ واقعا در ساختار گاه معیوب و گاه تنگ و رعب‌آوری که اکنون در وزارت ارشاد شکل گرفته است، امکان تغییر وجود دارد؟

سعید راد
چهره آشنای دور و نزدیک سینمای ایران درگذشت

بهنازشیربانی

بی‌تردید نام سـعید راد با برخی از بهترین و ماندگارترین فیلم‌های سـینمای ایران گره خورده است. بازیگری که در ساعات ابتدایی اولین روز مردادماه، در ۷۹سـالگی از دستش دادیم. شمایل سعید راد پیش از انقلاب منحصربه‌فرد بود. بازیگری با فیزیک و چهره‌ای خاص که با نخستین قدم‌هایش در سینما خیلی زود مورد توجه مخاطبان و اهالی سینما قرار گرفت. او پیش از بازی مقابل دوربین امیر نادری، در نقشی کوتاه در فیلم محمد زرین‌دسـت، «فاتحین صحرا» ایفای نقش کرد. «خداحافظ رفیق» فیلمی اسـت که او را رسما به سینما معرفی کرد و یکی از مهم‌ترین فیلم‌های تاریخ سـینمای ایران سـاخته شد. اولین فیلم امیـر نادری با اولین نقش‌آفرینی حرفه‌ای سـعید راد موجی از تحسین منتقدان سینمایی را متوجه «خداحافظ رفیق» کرد و می‌توان گفت سـعید راد از جمله بازیگرانی است که حضورش در نقش یک ضدقهرمان تا این حد دیده شـد و مورد توجه قرار گرفت. سـعید راد بارهـا در گفت‌وگوهایش از حضور در نقش‌هایی کـه او را به عنوان یک ضد قهرمان به مخاطب یادآوری کرده احسـاس خوبی داشـت. نقش‌هایـی که به زعم او فیزیک و بازی بازیگر برای ایفای نقش‌هایی این‌چنینی مهم و تأثیرگذار اسـت. او هرگز از تجربه نقش‌هایی از این جنس غافل نشد.

بین همکاری دوباره سـعید راد و امیر نادری دو سال فاصله افتاد. راد در این مدت به پیشـنهاد بسیاری از کارگردان‌های مطرح سینمای ایران پاسخ مثبت داد و مقابل دوربینشان حاضر شد. فریدون گله نقش اصلی «کافر» را به سـعید راد سپرد و یکی از بهترین نقش‌آفرینی‌های او را در این فیلم شـاهد هستیم. «صبح روز چهارم» کامران شیردل، با نقش‌آفرینی سعید راد دوست‌داشتنی‌تر است. یکی از فیلم‌های مهم کارنامه ناصر تقوایی که با دیگر آثار او فاصله معناداری دارد «صادق کرده» با بازی زیبا، ظریف و چشـمگیر سعید راد در خاطره‌ها ماندگار شده است. «خروس» به کارگردانی شاپور قریب یکی دیگر از فیلم‌های مهم کارنامه راد است.

اما علی خوش‌دسـتِ «تنگنا» بار دیگر نادری و راد را کنار هم قرار داد. به زعم بسـیاری از منتقدان و سینمایی‌نویسان، علی خوش‌دست یکی از عجیب‌ترین و کامل‌ترین نقش‌هایی اسـت که در سینمای ایران خلق شده اسـت. اعتماد دوباره امیر نادری به سـعید راد باعث شد تا این فیلم یکی از بهترین آثار تاریخ سـینمای ایران شـود و سعید راد جایزه سـپاس بهترین نقش اول مرد را به خانه ببرد. بی‌تردید بازی در این نقش و دریافت جایزه سپاس مسیر حرفه‌ای راد را به سمت‌وسوی دیگری برد. او در دوره‌ای انتخاب نخسـت بسـیاری از کارگردان‌های مطرح سینمای ایران بود. او در سال ۱۳۵۶ با مسعود کیمیایی در«سفر سـنگ» هم‌مسیر شد. فیلم مهم کارنامه کیمیایی و البته سعید راد که جنبه سیاسی این فیلم در آن دوران مخالفان و موافقان زیادی داشت. سـعید راد در سال ۱۳۵۷ بار دیگر در «سـاخت ایران» مقابل دوربین امیر نادری حاضر شـد. بی‌شک بازی مقابل دوربین نادری برای سعید راد مفهوم دیگری داشـت و البته نادری هم ثابت کرد که سـعید راد بازیگر محبوب اوسـت و همکاری‌های این دو تا همیشـه از آثار مهم تاریخ سینمای ایران خواهد بود.

سـعید راد بـرای دومین‌بار در «خـط قرمز» با مسـعود کیمیایی همکاری کرد. او این‌بار در شمایل یک مأمور امنیتی حاضر شد و نقش عجیبی را ایفا کرد. سعید راد بارها درباره حضورش در این فیلم متذکر شـده که در مورد ایفای این نقش مدعی اسـت و یکی از دشوارترین نقش‌هایی اسـت که به او سپرده شد. این فیلم براساس نوشته «شب سـمور» بهرام بیضایی، توسط مسعود کیمیایی ساخته شد و برداشت هر یک از آنها از شخصیت‌های داستان متفاوت است و به همین دلیل «خط قرمز» فیلم مهمی است که البته بعد از ساخت تا سال‌ها توقیف بود و بسیار دیرهنگام دیده شد.

«برزخی‌ها» به کارگردانـی ایرج قادری و «عقاب‌ها» به کارگردانی سـامونل خاچیکیان که همچنان عنـوان پرفروش‌تریـن فیلم تاریخ سینمای ایران با این فیلم گره خورده است، از بهترین نقش‌آفرینی‌های سـعید راد در سینماسـت. او بعـد از ایفای نقـش در «عقاب‌ها» به نوعی ممنوع‌الکار شـد و سـال‌ها از سـینما فاصله گرفت. پیشنهاد بـازی در «زنگی و رومی» ناصر تقوایـی او را راهی ایران کرد. فیلمی که متأسـفانه هیچ‌وقت ساخته نشـد. درنهایت احمدرضا درویش با «دوئل» باعث شـد بار دیگر علاقه‌مندان سینما سعید راد را در سینما ببینند. فیلمی که برای نخسـتین‌بار سعید راد با صدای خودش ایفای نقـش کرد و این‌بار از دوبله صدای او خبری نبود. او پس از انقلاب با فیلـم «گیرنده» به کارگردانی مهرداد غفـارزاده دیپلم افتخار بهترین بازیگر مـرد را دریافت کرد و در فیلـم «چ» ابراهیم حاتمی‌کیا نقش تیمسار فلاحی را ایفا کرد.

او طـی سـال‌های اخیر کم‌کار شـد و بیمـاری او یکـی از دلایل کم‌رنگ‌شدنش در سینما بود. مراسم بدرقه پیکر سعید راد چهارشنبه ۳ مردادماه سـاعت ۹:۳۰ صبح از سـاختمان شـماره ۲ خانه سینما (خیابـان وصـال جنوبـی، نبش کوچه شـفیعی) به سـمت قطعه هنرمندان بهشت زهرا (س) انجام می‌شود.

تحلیل

روز از نو رنج از نو

فردین علیخواه

جامعه‌شناس و عضو هیئت علمی دانشگاه

بهنام و ماهرخ سـریال «در انتهای شب» در شهر جدید پردیس زندگی می‌کنند. آنان برای آنکه خانه‌ای بزرگ‌تر، یعنی سه خواب، داشته باشند از خانه کوچک و استیجاری‌شـان در جلفای تهران به پردیس کوچ کرده‌اند. اتاق‌ها احتمالا یکی برای فرزندشـان دارا، یکی بـرای کار و یکی هم اتاق خواب خودشان است. در قسمت‌های آغازین سریال حادثه‌ای رخ می‌دهد و همان زمینه‌سـاز تنش و بگومگوی جدی بین آنها می‌شـود. ما متوجه می‌شـویم که بهنام هر روز برای آنکه سـر وقت در محل کار حاضر شود، مجبور اسـت سه ساعت زودتر از خواب بیدار شود و باز برای صرفه‌جویی در مخارج، مجبور اسـت از اتوبوس شـرکت واحد اسـتفاده کند. به قول نویسنده‌ای «از خواب بیدارشـدن بی‌آنکه مجبور به ترک رختخواب باشی لذت‌بخش اسـت». برگشـت از محـل کار هم به همین شـکل زمان‌بر و طاقت‌فرساسـت. وقتی به خانه می‌رسـد تا به خودش بیاید، زمان سریع سـپری شده اسـت، او باید سـر بر بالش بگذارد چراکه روز از نو و رنج نیز از نـو. بهنام اعتـراف می‌کند که پنج ماه یعنی از زمانـی که کوچ کرده‌اند خواب درسـت و حسابی نداشته اسـت. البته این به معنای آن نیست که ماهرخ فاقد چنین مشـکلاتی اسـت. تفاوت این دو در آن است که بهنام هنوز با شـرایط زیست خود کنار نیامده اسـت و اوضاع را در شأن و مرتبه خود نمی‌یابد. ماهرخ هم شـرایط را سزاوار نمی‌بیند ولی معتقد است که برای داشـتن خانه (که هیچ‌کدام از دوستان‌شان هنوز ندارند) باید مقتصد بـود، صبوری کرد و دو سـال تحمل کرد. فقط دو سـال! نـگاه بهنام به شرایط زیسـتن، یادآوری جمله‌ای از استیو تولتز است: «مسئله این نیست که زندگی ارزش زیسـتن دارد یا نه. مسـئله آن است که زندگی من ارزش زیستن دارد یا نه».

بهنام و ماهرخ پیشـینه‌ای هنری داشـته‌اند. بهنام استاد نقاشی بوده اسـت هرچند هم‌اکنون در یکی از سازمان‌های وابسته به شهرداری تهران شـغلی معمولی انجام می‌دهد تا شـاید روزی مدیر شود. ماهرخ هم در نقاشی تحصیل کرده و هم‌اکنون کارمندی ساده در یکی از فرهنگسراهای شـهر تهران اسـت. آنها آرزوهای هنری‌ای داشـته‌اند کـه چندان محال نبـوده ولی به آنها دسـت نیافته‌اند. به بیان روشـن‌تر، بهنام و ماهرخ هر دو ناکام‌اند. حسـرت زندگی نزیسته، و حسـرت آرزوهایی شاید کوچک که فرصت تحقق نیافته‌اند و امیدی هم به تحقق‌یافتن‌شان نیست.

سـال‌ها قبل، جامعه‌شناسـان اصطلاح «ناسـازگاری یـا ناهماهنگی منزلتـی» (status inconsistency) را بـه کار بردند. ناسـازگاری منزلتی بـه معنـای ناسـازگاری مشـخصه‌های منزلتی فـرد با یکدیگر اسـت. مشـخصه‌هایی نظیر شـغل، تحصیلات، محل سـکونت، اوقات فراغت، درآمد و... از آن جمله اسـت. در این وضعیـت برای مثال فرد تحصیلات دانشگاهی خوبی دارد ولی شـغل و درآمد او تناسبی با تحصیلات ندارد. یا تحصیلات و شـغل مناسـبی دارد ولی درآمد ناشـی از شـغل مناسب نیسـت. پی‌یر بوردیو، جامعه‌شـناس فرانسـوی با مفاهیـم دیگری چون «سـرمایه اقتصادی» و «سرمایه فرهنگی» چنین وضعیتی را توصیف کرد، یعنی وضعیتی که برخی گروه‌های اجتماعی سـرمایه فرهنگی مناسـب یا بالا ولی سـرمایه اقتصادی نازلی دارند. در واقع سـرمایه اقتصادی آنان با سـرمایه فرهنگی‌شـان سـازگار نیسـت. آنان می‌خواهند سبک زندگی روشـنفکرانه‌ای داشته باشـند، می‌خواهند از دنیای فرهنگ و هنر سیراب شوند ولی تنگناهای سـرمایه اقتصادی اجازه سیراب‌شدن نمی‌دهد. آنان باید مقتصدانه زندگی کنند تا بتوانند دوام بیاورند.

به بـاور نگارنده این سـطور، بهنام‌هـا و ماهرخ‌های جامعـه ایرانی در سـال‌های اخیر بسـیار شـده‌اند. تعداد کسـانی که «دوباره به هیچ‌جا نرسیده‌اند» دارد چشمگیر می‌شود. در نوشته دیگری از این شرایط با عنوان «نوبنوایی/ نوبینوایان» یاد کرده‌ام. بخش‌های زیادی از طبقه متوسـط در حال تجربه نوبینوایی‌اند. طرد اجتماعی از منظر جامعه‌شناسی به معنای فقدان توان مشـارکت در پهنه‌های مختلف زندگی اسـت. طرد اجتماعی به معنای کنار گذاشته‌شدن از عرصه‌های مختلف به دلیل موانع مختلف اسـت. طبقه متوسـط در ایران که بهنام و ماهرخ مصداقی از آنها هستند به حاشیه‌ها پرتاب شـده‌اند و منظور از حاشیه صرفا برداشتی جغرافیایی نیست. آنان توان اقتصادی مشارکت در تماشای تئاتر، تماشای فیلم، سفر، سـقفی سزاوار خویش، لباس و غذایی سـالم را ندارند. طرد اجتماعی به معنای واقعی کلمه رخ داده اسـت و اتفاقا همین را باید دلیل استقبال از سـریال دانست. گویی طردشـدگان خود را در جایی دیده‌اند و در نقطه‌ای یافته‌اند. گویی سـریال نه‌تنها طردشـدگی، سـیه‌روزی و نوبینوایی آنان را روایت می‌کند بلکه پیامدهای ناشی از طرد را نیز بسیار ظریف و نکته‌بینانه نشان می‌دهد. طبقه متوسـط مطرود، گویی در انتهای شب، سحری دیده اسـت. چنین سـحری نویدبخش «روز از نو، رنج از نو» است. از این لحاظ نویدبخش که از این به بعد قرار اسـت با هم ایـن رنج‌ها را تحمل کنیم. رنج‌های من فقط مختص به خودم نیسـت، دیگرانی هم مانند من هستند و شـاید همین کمی مـرا آرام کند. رنج‌ها مایه اتصال بین ما شـده‌اند. در انتهای شـب طبقه متوسط رنج‌دیده را دوباره کنار هم جمع کرد. «من درد مشترکم مرا فریاد کن».

۴.۵ میلیون دلار

جنیفر لوپـز ۴.۵ میلیون دلار به فلسـطینیان اهدا کرد. ایـن کمک مالی بـه تأمین وعده‌های غذایـی مغذی برای خانواده‌هـا و افرادی که با ناامنی غذایی مواجه هسـتند و از امکانات پزشـکی که به دلیل محدودیت منابع در تلاش برای ارائه مراقبت‌های کافی هستند، اختصاص پیدا خواهد کرد. او در متنی نوشته است: «شرایط فلسطین عمیقا من را متأثر کرده است و احساس کردم که مجبورم برای کمک به آنان، اقدامی انجام دهم».

۳۰ هزار میلیارد تومان

رئیس کل دادگسـتری استان تهران گفت: «با یک بدهکار بانکی که ۳۰ هزار میلیارد تومان به شبکه بانکی کشور بدهی دارد توافـق کردیم کـه ۱۲ هزار میلیـارد از بدهی خود را با معرفی اموال به شبکه بانکی کشور برگرداند». همچنین یک ابربدهکار بانکی ۹۳۰ میلیارد تومان به بانک بدهکار اسـت. نکتـه مهم این اسـت که چگونه میـزان بدهی‌ها تا این حد افزایش یافته اسـت و چرا زودتر برای تسویه این بدهی‌ها و معرفی آنها به نهادهای قضائی اقدام نشده است.

یک پلنگ

فارو: اداره کل محیط زیست آذربایجان شرقی ویدئویی از گشـت‌وگذار یـک پلنگ ایرانـی در بخـش کاغذکنان از بخش‌هـای تابعه شهرسـتان میانه در اسـتان آذربایجان شرقی، در صفحه اینستاگرام این سازمان منتشر کرده است. رئیس اداره محیط زیست شهرستان میانه اعلام کرده است مأموران یگان حفاظت محیط زیست میانه این تصاویر را در منطقه حفاظت‌شده کاغذکنان ثبت کرده‌اند. پلنگ ایرانی از گونه‌های در حال انقراض در ایران است.